



13 جون 2015

داکتر سید عبدالله کاظم

## چرا و چگونه محمد داؤد خان را بیک مخالف سرسخت نظام تبدیل کردند؟ (قسمت چهارم)

### تسويد و تصويب قانون اساسی جديد و معضلة ماده 24:

یکی از کارهای مهمی که بر دوش حکومت داکتر محمد یوسف گذاشته شده بود، تسويد قانون اساسی جديد بود که برای اینکار یک کمیسیون مرکب از شخصیت های مجرب و مورد اعتماد حکومت و پادشاه توظیف گردید. داکتر عبدالصمد حامد، داکتر میرنجم الدین انصاری، محمد موسی شفیق، سید قاسم رشتیا، میر محمد صدیق فرهنگ، حمیدالله، تحت ریاست سید شمس الدین مجروح اعضای کمیسیون تسويد بودند که مسوده را البته به مشوره پادشاه طی تقریباً یک سال تکمیل و آنرا پس از گزارش در مجلس وزرا به یک کمیسیون مشورتی 28 نفری تحت ریاست داکتر عبدالظاهر (معاون دوم صدارت و وزیر صحیه، بعداً رئیس ولسی جرگه) سپردند. از جمله سه عضو کمیسیون مشورتی هریک میر غلام محمد غبار، استاد صلاح الدین سلجوقی و داکتر محمد آصف سهیل به دلایلی از اشتراک در آن معذرت خواستند. در بین اعضای شامل این کمیسیون بحث های جدی در موارد مختلف مواد مسوده صورت گرفت که یکی آن مخالفت با ماده 24 قانون اساسی بود که بیشتر از طرف دو عضو کمیسیون مشورتی (نوراحمد اعتمادی و خانم معصومه عصمتی) پیش گردید و جریان چند بار به اطلاع اعلیحضرت نیز رسانیده شد. (برای شرح مزید دیده شود: م.م. صدیق فرهنگ - "افغانستان در پنج قرن اخیر، چاپ پشاور، صفحه 717 تا 722)

در ارتباط با موضوع بحث این نوشته، لازم است تا متن ماده 24 قانون اساسی 1343 را ذیلاً اقتباس دارم:  
«ماده بیست و چهارم: پسر، دختر و برادر و خواهر پادشاه و ازواج و زوجات و ابناء و بنات شان و عم و ابنای عم پادشاه خانواده شاهی را تشکیل میدهند. در تشریفات رسمی دولت خانواده شاهی بعد از پادشاه و ملکه اخذ موقع مینمایند. مصارف خانواده شاهی در بودجه مصارف پادشاهی تعیین میشود، القاب مختص به خانواده شاهی میباشد و مطابق باحکام قانون تعیین میشود.

اعضای خانواده پادشاهی در احزاب سیاسی شمولیت نمی ورزند و وظایف آتی را اجرا نمیکند:

1 - صدارت عظمی یا وزارت.

2 - عضویت شورا.

3 - عضویت ستره محکمه.

اعضای خانواده پادشاهی حیثیت خود را بصفت عضو خانواده پادشاهی مدام الحیات حفظ میکنند.»

قابل ذکر است که جمله اخیر در مسوده قید نشده بود و اما وقتی مسوده جهت تصویب به لویه جرگه 1343 رویت داده شد، جمله فوق بر متن افزود گردید و مورد تصویب قرار گرفت.

ماده 24 چه در کمیسیون تسويد و کمیسیون مشورتی و چه در لویه جرگه یک ماده بسیار ممتاز ع فیه بود و بحث های بسیار جدی را بین طرفداران و مخالفان این ماده بار آورد که مختصر آنرا میر محمد صدیق فرهنگ در کتاب مشهور خود

د پانو شمیره: له 1 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بڼي پاروالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په څیر و لولۍ

"افغانستان در پنج قرن اخیر" گزارش داده، ولی تفصیل آنرا سید قاسم رشتیا (وزیر مالیه و وزیر مطبوعات) در کتاب "خاطرات سیاسی..." خود با جزئیات بیشتر بیان کرده است که هر دو برادر در تسوید قانون اساسی جدید و طی مراحل بعدی آن نقش بسیار فعال داشتند.

از آنجائیکه ماده 24 یک ماده سرنوشت ساز برای تحولات بعدی بشمار میرود، لازم است تا نخست به بعضی جنجالهای این ماده حین تسوید و بعد هنگام تصویب در لویه جرگه با نقل قول از کتاب "خاطرات سیاسی" سید قاسم رشتیا پرداخته شود و سپس به تحلیل و بررسی جوانب حقوقی و سیاسی آن توجه مبذول گردد.

رشتیا در بخشی از خاطرات خود تحت عنوان "دوره قانون اساسی" می نویسد: «کار مطالعه قانون اساسی از طرف رفقا به جدیت روی دست گرفته شده و برطبق مفاهیم ابتدائی از یکطرف به جمع آوری تمام سوابق از دوره امانی تاحال و از طرف دیگر به مطالعه و تحلیل پیشنهادات سردار محمد داؤد خان که قیل از استعفی به حضور شاه تقدیم نموده و در حقیقت تردد شاه در قبول آن موجب کناره گیری سردار گردیده بود، و اکنون به قسم یک مأخذ قابل مطالعه بدسترس کمیته گذاشته شده بود، آغاز کرده اند...» (سید قاسم رشتیا: "خاطرات سیاسی سیدقاسم رشتیا 1311 (1932) تا 1371 (1992)، باهتمام: محمدقوی کوشان، مطبع امریکت سپیدی، ویرجینیا، چاپ اول، 1376، صفحه 177)

در جمله مسائل بسیار حساس حدود صلاحیت های شاه بود که کمیته براساس قوانین اساسی سائر کشور ها، چه شاهی و چه جمهوری، فهرست آنرا ترتیب کرده بود. رشتیا می افزاید: «اعلیحضرت فهرست مذکور را به حضور خود خواسته و چند روز نگه داشتند و معلوم میشد که آنرا مثل گذشته به سرداران [اصطلاحی که رشتیا اغلب در مورد دو برادر سردار محمد داؤد و سردار محمد نعیم بکار می برد] نشان میدهند. پس از چند روز اعلیحضرت برای داکتر محمد یوسف خان اطلاع دادند که صلاحیت ها زیاد و باید مورد تجدید نظر قرار گیرد... ما دلایل خود را برای حفظ همین صلاحیت ها توضیح نمودیم که ظاهراً طرف قناعت شان قرار گرفت و نیز درباره ماده 24 که اشتراک اعضای خانواده شاهی را در سیاست منع می نمود، دلایل این کار را با جنبه های مختلف آن بحضور شان شرح دادیم که آنهم طرف قبول واقع شد...» (خاطرات سیاسی رشتیا....، صفحه 177 و 178)

درباره عکس العمل پادشاه در زمینه ماده 24 سید شمس الدین مجروح - یکی دیگر از حامیان آن ماده در کتاب خاطرات خود چنین می نویسد: «قانون اساسی بعد از تدوین پیش از آنکه به نشر سپرده شود، یک نسخه آن بحضور پادشاه تقدیم گردیده بود. پادشاه بعد از ملاحظه آن مرا بحضور خود خواست و صرف در دو مورد نظر خود را اظهار کرد: اول در ماده 24 که حاوی تعریف خانواد سلطنتی و ممنوع قرار دادن آنها از صدارت و وکالت و قضا بود، اندیشه خود را اظهار کرد و گفت عملاً ما باید اینکار را بکنیم، اما اگر به صراحت مذکور باشد، برای من مشکلات خانوادگی ایجاد میکند. بهتر است مسکوت گذاشته شود، من [مجروح] دلایل خود را اظهار کردم و به آن اصرار ورزیدم تا او متقاعد شد و نظر ما را پذیرفت. دوم در مورد جانشین پادشاه که به تفصیل [در مسوده] ذکر شده بود. او به این عقیده بود که مواد مذکور کاملاً از بین کشیده شود و جانشین آینده سلطنت را به اختیار مردم افغانستان بگذارید تا خود مردم هرچه مناسب بدانند، عملی کنند. درین مورد هم من دلایل خود را گفتم و به او قناعت دادم که در این کار منظور استقرار مملکت است، نه تنها استحکام خانواده سلطنت زیرا اگر بعد از مرگ پادشاه مدعیان سلطنت با یکدیگر بهم بیاویزند، هرج و مرج خانه جنگی در مملکت رخ خواهد داد و باز واقعات قرن زده خانواد سدوزانی و محمدزانی ها تکرار خواهد شد و اگر به سوبه قانون تثبیت شود و جانشین سلطنت پیش از پیش معلوم باشد، احتمال جلوگیری از این واقعات بیشتر است. درین مورد هم به قناعت او پرداختیم.» (س.ش. مجروح: "سرگذشت من"....، صفحه 145 و 146)

رشتیا در باره تعیین اعضای کمیسیون مشورتی و گزارش آن بحضور پادشاه می نویسد که: «اعلیحضرت پس از مطالعه نام ها، بطرف من نگاهی معنی داری کرد و فرمودند آیا شما متوجه شده اید که یک نفر محمدزانی هم در بین سی نفر

د پانو شمیره: له 2 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په څير و لولۍ

موجود نیست...»؛ بعد از عرض توضیحات لازم در زمینه، از ایشان تقاضا شد که تاحال لست ها نشر نشده است، اگر کسی را شامل لست می سازند، مشکل ندارد. پادشاه بعد از اندکی مکث فرمودند: «بلی شما میتوانید نوراحمد اعتمادی و داکتر عبدالقیوم رسول را در لست علاوه کنید.» رشتیا می افزاید: «از این تذکر و لحن اعلیحضرت درک کردم که جریانی در پشت پرده موجود است که باید متوجه آن باشیم...» به این صورت دو نفر فوق شامل اعضای کمیسیون مشورتی شدند. (رشتیا: خاطرات سیاسی ....، صفحه 180)

رشتیا از مناقشه جدی که با نوراحمد اعتمادی در جریان بحث روی ماده 24 در کمیسیون مشورتی داشت، در کتاب خاطرات خود بحثی دارد که قابل غور و دقت میباشد. او می نویسد: «در موضوع عدم اشتراک اعضای نزدیک خانواده سلطنتی به امور دولتی، خصوصاً احراز عهده های وزارت و وکالت شورا، نمایندگان خانواده صدای اعتراض بلند کردند و این محدودیت را به منزله محرومیت یک عده اشخاص معین از حقوق اساسی که برای تمام افراد در همین قانون اساسی در نظر گرفته شده است، تلقی نمودند و اصرار کردند که درین قحط الرجالی یک عده استعداد های برجسته بی جهت و قهراً از خدمت مملکت محروم ساخته میشود. مباحثه بالا گرفت و اما عجیب این بود که هیچکدام از اعضای باقیمانده مجلس در زمینه از آنها و طرز استدلال شان طرفداری نکردند.»

رشتیا در ادامه موضوع می افزاید: «بحث جدی درین قسمت بین من و آقای اعتمادی که سخنگوی گروپ بود، صورت گرفت. آقای اعتمادی پس از اینکه تمام دلائلش رد گردید، تغییر لهجه داده گفت که وضع امروزه افغانستان و مصلحت مملکت ایجاب میکند که از چنین اقدامی که خطرات مهمی را دربر دارد، خودداری شود و خطاب به من علاوه کرد که شما خود مورخ می باشید، حوادث گذشته تاریخ دور و نزدیک به شما معلوم است. در جواب گفتم که آقای اعتمادی برخلاف گفتار شما من فکر میکنم که غرض اصلی از طرح و تدوین قانون اساسی جدید جلوگیری از تکرار همین حوادث تلخ گذشته می باشد تا مقام سلطنت را از کشمکش ها و دسته بندی های سیاسی بلندتر قرار داده، دوام و استقرار نظام شاهی مشروطه را در مملکت تامین نماید. و از طرف دیگر سنگ تهداب این قانون اساسی به طوریکه مشاهده می کنید، روی تفکیک قوا و استقلال هریک از قوای ثلاثه اجراییه، قضائیه و تقنینیه قرار گرفته است. پس در صورتیکه افراد نزدی به مقام سلطنت عهده های صدراعظم و یا وزیر و وکیل را احراز نمایند، تفکیک قوا از بین میرود و سلطنت مثل گذشته با حکومت یعنی قوه اجراییه یکجا میشود و در آن صورت حکومت نزد شورای ملی مسئول و عملاً طرف مؤاخذه قرار گرفته نمیتواند. از اینرو در صورت قبول نظر شما اصلاً ضرورتی برای تدوین قانون اساسی جدیدی که اکنون ما و شما مشغول بحث و مشاجره درباره آن می باشیم، باقی نمی ماند...» حوادث سوء که شما به آن اشاره میکنید، اگر خدای ناخواسته صورت گرفتنی باشد، عوامل دیگری آنرا به وجود خواهد آورد، نه این قانون اساسی...» (خاطرات سیاسی رشتیا...، صفحه 181 و 182)

رشتیا که یکی از طرفداران سرسخت ماده 24 قانون اساسی بود، در شیوه استدلال خود تا حدی زیاد واقعیت های عینی جامعه افغانی را شاید عمداً و روی ملحوظات خاص خودش از نظر دور داشته و ادعاهای خود را بیشتر با ارائه مثال از کشورهای دیگر شاهی مشروطه مثل انگلستان، سویدن و بعضی دیگر کشورها مستدل می سازد و بدینوسیله به قناعت پادشاه می پردازد، درحالیکه خودش بهتر از هرکس دیگر از حقایق عینی کشور اطلاع داشته و بخوبی میدانسته است که این راه ممکن است به ترکستان برود. او میدانست که محروم ساختن قهری محمد داود خان از فعالیت آزاد سیاسی مندرج ماده 24 قانون اساسی چه عواقبی را در بر خواهد داشت، چنانکه نور احمد اعتمادی به وضاحت خطرات ناشی از آنرا برایش بیان کرد، اما رشتیا با جدیت متن این ماده را موجب استقرار نظام مشروطه در کشور وانمود کرد و مدعی شد که همین ماده میتواند نظام را از کشمکش ها و دسته بندی های سیاسی در امان نگهدارد. اما او متوجه نشده بود که اولین قربانی این کشمکش ها شخص خودش و داکتر محمد یوسف خان خواهد بود و ادامه آن سرتاسر دهه دموکراسی را به نحوی تحت تأثیر خود قرار خواهد داد.

د پانو شمیره: له 3 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلیکني د لیکنيزي ښي پاروالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو لمخې په څیر و لولۍ

متأسفانه برعکس آنچه در استدلال رشتیا ادعا شده بود، محروم ساختن خانواده سلطنتی از دخالت در امور سیاسی و مقامهای حساس با وضع قیود مندرج ماده 24 نتوانست از نقش خانواده سلطنتی در امور مهمه دولت جلوگیری کند، چنانچه دیده شد که سترجنرال خان محمد خان در طول ده سال به حیث وزیر دفاع باقی ماند، اما در پشت پرده تمام امور وزارت در دست سردار عبدالولی بود و سترجنرال فقط یک پرده پوش قدرت واقعی در آن وزارت محسوب می شد. نفوذ عبدالولی تنها در ساحه نظامی منحصر نبود، بلکه امر او در اکثر حالات بالاتر از صدراعظم ها واجب التعمیل پنداشته می شد.

در مورد تفکیک قوای ثلاثه دولت که رشتیا آنرا پدیده میرا از نفوذ خانواده سلطنتی میدانست، بازهم این امر تحقق نیافت، بلکه بجای آنکه قوای ثلاثه مستقلانه عمل کنند، برعکس مداخله آنها یکی در امور دیگر بعدی رسید که برای هر سه قوه به حیث یک عامل بحران تبدیل شد. اختلافات داخلی پارلمان و مداخله وکلا در امور حکومت و دست زدن قضا در امور سیاسی تقریباً از آغاز تا انجام دهه دموکراسی رو به افزایش بود و این تشتت زمینه نمودی احزاب افراطی راست و چپ را که هریک از حمایت های بیرونی برخوردار بودند و نظم عامه با راه اندازی مظاهرات و نیز تخریبات غیر مستقیم اخلال میکردند، فراهم میکرد که تفصیل مزید آن در این مختصر نمی گنجد، ولی نمیتوان از آن چشم پوشی کرد.

در این میانه تبدیل کردن یک شخصیت با نفوذ مثل محمد داود خان و محروم ساختن او از فعالیت آزاد سیاسی زیر نام "عضو خاندان پادشاهی" واقعیت تلخی بود که عده ای او را عمداً به اصطلاح عوام بیک "پلنگ زخمی" تبدیل کردند و بدانوسیله او را به سمتی کشانیدند که این انتقام را به شیوه دیگر بگیرد. تفاهم بعدی او با گروپ های مخالف نظام، بخصوص نزدیکی "تاکتیکی"، نه "ایدئولوژیکی" با عده ای از پرچمی های "آشکار و غیرآشکار" در راه اندازی کودتای 26 سرطان 1352 یکی از پیامدهای خطیر همین ماده 24 بود که نور احمد اعتمادی در آغاز به اشاره کرد. به همین دلیل بود که دهه قانون اساسی با نمایش "طلائی" خود در هر سالیکه میگذشت متأسفانه تغییر رنگ میداد و تجلی "مس" را به خود میگرفت و بحران های سیاسی و اقتصادی بیشتر را بار می آورد که سقوط پیهم پنج حکومت در ظرف ده سال خود گواه این وضع است. (برای شرح مزید دیده شود فصل های اختصاصی کتاب: صباح الدین کشکی: "دهه" قانون اساسی - غفلت زدگی افغانها و فرصت طلبی روسها"، پشاور، چاپ اول 1365)

داکتر عاصم اکرم نویسنده کتاب "نگاهی به شخصیت، نظریات و سیاستهای سردار محمد داود" از یک طرف می نویسد: «دراکثر کشورهای دارای نظام شاهی که جامعه شان از دیموکراسی برخوردار بود و بحیث مثال برای طرح کنندگان قانون اساسی جدید میتوان محسوب شد، بطور عموم به اعضای خانواده سلطنتی حق اجرای وظایف سیاسی داده نمی شد. منطق چنان یک موقف این میباشد که اعضای خانواده سلطنتی از موضوعات حزب و حزب بازی باید دور باشند و در داخل جامعه سبب همبستگی و متحد ساختن مردم باشند، بعوض اینکه با طرف گیری با یک گروه مقابل گروه دیگر سبب نفاق شوند. به تائید این سخن کشورهای انگلستان و سویدن در اروپا و مراکش را بحیث یک کشور اسلامی مثال داده میتوانیم.»

اما داکتر عاصم اکرم متعاقباً استدلال فوق خود را خودش به گونه زیر سؤال می برد و می نویسد: «اگر در جریان دهه قانون اساسی (1963 - 1973) قدرت آزادی های بیشتر را به مردم بخشیده بود، این دوره از خود نواقصی داشت که از جمله عدم ثبات و دوره کوتاه کابینه ها که تشکیل میشد، بشمار میرود. به اساس قانون اساسی جدید پادشاه صدراعظم را تعیین میکرد، قبل از اینکه او از طرف شورا رأی اعتماد را کسب نماید. در این قسمت محمد ظاهر شاه چندان اراده قوی نشان نمیداد، به مجردیکه کوچکترین تظاهرات در کوچه ها و باغ [پارک] های کابل پیاده میشد و صدراعظم مورد انتقاد اعضای شورا قرار میگرفت که نسبتاً یک امر طبیعی است، متعاقباً پادشاه او را به استعفی دعوت میکرد و

شخصی دیگری را بعوض وی مقرر میکرد، چنانچه در مدت ده سال نظام شاهی مشروطه هفت کابینه مختلف (بشمول کابینه عبوری و دوره دوم اعتمادی) تعیین شد و هیچ یک از آنان بیشتر از دو سال برحال نماند.»

عاصم اکرم در ادامه می نویسد: «سؤالی را که خیلی ها مطرح کرده اند اینست که آیا پادشاه و هیئت تسوید قانون اساسی جدید نخواستند یک طرح بسیار پیشرفته را با تقلید از جوامع غربی، درحالیکه مردم قطعاً آمادگی آنرا نداشتند، در افغانستان روی کار آورند؟ برای یک کشوری که هیچ تجربه "دیموکراسی" را نداشت، به این معنی که با آزادی های بیان و رأی گیری و اشتراک در امور کشور دست یابی نداشت، دوره انتقالی پیش از تطبیق قانون اساسی از حد زیاد کوتاه بود.» (داکتر عاصم اکرم: "نگاهی به شخصیت، نظریات و سیاستهای سردار محمد داؤد"، انتشارات میزان، ویرجینیا - امریکا، 1380، صفحه 176 و 178)

نکته بسیار جالب و مهم اینست وقتی یک نسخه مسوده قانون اساسی که از نظر کمیون مشورتی نیز گذشته بود، غرض مطالعه و ابراز نظر به محمد داؤد خان ارسال گردید، او یک پیشنهاد متقابل را در چند کاپی تایپ شده توسط علی احمد خان پوپل به داکتر یوسف خان گسیل داشت که به دقت مورد مطالعه اعضا قرار گرفت. رشتیا می نویسد که: «جلسات خاصی برای تدقیق و مباحثه روی آن دائر گردید ... و چون مشاهده کردند که در بعضی نکات اساسی و حساس با متن مذکور اتفاق نظر ندارند، برای آنکه نقاط اختلاف بطور خاص جلب نظر نکند، مصلحت دیده شد تا متن دیگری تهیه و به عوض متن تصویب شده کمیون مشورتی به حکومت ارائه گردد که البته مقایسه هر دو متن نکات اختلاف را واضح ساخت.» اگرچه چنین کاری که متن مسوده تصویب شده کمیون مشورتی که یقیناً متن تصویب شده کمیون تسوید را نیز احتوا میکرد، به وسیله چند عضو که از ایشان نیز نام برده نشده و تعداد آن هم معلوم نیست، به مقصد «آنکه نقاط اختلاف بطور خاصی جلب نظر نکنند و مصلحت دیده شده که متن دیگری تهیه و به عوض آن ارائه گردد»، کاریست جداً مورد سؤال، اما باز هم رشتیا در مورد تفاوت نظر ها فقط به دو موضوعی نه آنقدر مهم اشاره میکند: یکی در مورد صلاحیت های پادشاه و دیگر درباره چگونگی اعضای لویه جرگه که به گفته او در مسوده: «با حفظ شکل عنعوی طرز انتخاب اعضای آن به ذریعه رأی گیری عمومی و آزاد پیشبینی شده بود، در متن سردار همان شکل عنعوی انتصابی آن اعاده گردیده بود. بالمقابل در مورد ماده 24 و تفکیک قوا و بسا نقاط عمده دیگر هیچ یک تغییری وارد نگردیده، تنها درباره جنبه های تکنیکی قانون تعدیلاتی پیشنهاد شده بود که اکثر آن به انسجام و طرز عمل قانونی مطابق نداشت.» (برای شرح مزید دیده شود: خاطرات سیاسی رشتیا...، صفحه 185 و 186)

از شرح فوق بر می آید که پیشنهاد ارسالی محمد داؤد خان در مجموع با آنچه در مسوده آمده بود، به شمول اصل "تفکیک قوا" تفاوت بسیار نداشت و تفاوت طوریکه گفته شد، فقط در چند نکته فرعی بود. به این اساس گفته میتوانیم که پیشنهاد محمد داؤد خان و بعداً متن مسوده البته پس از تصویب کمیته مشورتی در یک مسیر در حرکت بود.

(ادامه دارد)

د پانو شمیره: له 5 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
يادونه: دليکني د ليکنيزي بني پاروالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په څير و لولۍ